



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۲۳

جليل غنی هروی

تصویر مبهمی از جنگ و صلح

از سقوط حکومت طالبی در سال ۲۰۰۱ و ورود قوای ائتلاف به رهبری ایالات متحده تحت عنوان مبارزه با دهشت افگنی و ریشه کن کردن القاعده در افغانستان، هفده سال گذشت. این جنگ با هزینه یک تریلیون دلار از جانب ایالات متحده، که بیشترین قوا را در افغانستان از ده هزار تا بیست و پنج هزار سر باز در ادوار مختلف تعبیه نمود، و همچنان چهل و دو کشور دیگر که سربازانی از چند صد نفر محدود تا چند هزار در افغانستان دارند، نه تنها به پیروزی نرسیده بلکه شدت یافته و امروز نفوذ طالبان، عمده ترین گروه مخالف دولت افغانستان، نسبت به هر زمان دیگر بیشتر شده و ساحات بیشتری را در افغانستان، به خصوص در مناطق دور دست و دهات و اطراف شهر های بزرگ حتی کابل، تحت اداره شان دارند. دولت افغانستان در پهلوی قوای ائتلاف با داشتن در حدود دو صد و پنجاه هزار نیروی امنیتی شامل اردو و پولیس، بدون نیروی های مردمی که تعداد آن را اعلام نداشته اند، تمام کوشش خود را برای تأمین امنیت شهر های بزرگ و پر نفوس بکار می برد که خاطره دوران اواخر حکومت داکتر نجیب قیل از سقوط راه، در اذهان زنده می سازد. ولی دیده می شود که همه روزه مردم افغانستان شاهد حملات خونبار و کشتار بی رحمانه این مخالفین در شهر ها هستند. حتی در روز مراسم یاد بود از مولود سرور کائنات بروز سه شنبه گذشته بیستم نومبر در چند صد متری ارگ ریاست جمهوری، پنجاه و پنج نفر که در مراسم مولود مبارک پیامبر اسلام گرد آمده بودند، در یک حمله انتحاری جان باختند و نود و پنج تن دیگر زخمی گردیده اند.

اکنون نظامیان و سیاستمداران ایالات متحده امریکا که در گذشته ها از پیشرفت در جبهات جنگ و شکست طالبان صحبت میکردند، نیز اعتراف دارند که این جنگ به بن بست رسیده و پیروزی نظامی نه برای طالبان مقدور است و نه برای دولت افغانستان و متحدین بین المللی شان. به گزارش نشریه معتبر فارین پالیسی (Foreign Policy) چند روز قیل بود که جنرال ژوزف دنفرد رئیس کمیته لوی درستیز های ایالات متحده امریکا در یک مصاحبه در مجمع امنیتی هالیفاکس انتر نشنل گفت «طالبان حالا شکست نمی خورند و فکر می کنم مناسب خواهد بود که چنین بگوئیم ما یک سال قیل اصطلاح بن بست را بکار می بردیم و اگر نسبی گفته شود وضع چندان تغییری نکرده است».

این بن بست در حالی است که ستراتیژی جدیدی که دونالد ترمپ رئیس جمهور ایالات متحده امریکا سال گذشته در مورد آسیای جنوبی و مرکزی وضع کرد، نتیجه که حکومت امریکا از آن توقع داشت، نداد با وصف آن که فشار های سیاسی و اقتصادی بر پاکستان برای امداد ساختن طالبان به مذاکره با حکومت افغانستان، وارد شد و بیش از یک میلیارد دلار کمک اقتصادی ایالات متحده به پاکستان هم قطع گردید. قطع این مساعدتهای مالی و فشار های سیاسی به پاکستان، موجب شد که آن کشور به رقبای سیاسی و اقتصادی ایالات متحده در منطقه، یعنی چین و روسیه، که از دیر زمانی در آرزوی چنین فرصتی بودند، نزدیکتر شود و کمک های مالی و سیاسی آنها را جلب نماید.

این انکشافات نا مطلوب برای امریکا و افغانستان، و عدم ثمر بخشی ستراتیژی ایالات متحده، تغییر دیگری را در پالیسی این کشور برای خاتمه دادن به جنگ پُر هزینه در افغانستان وارد نمود که روی آوردن به مذاکره مستقیم با طالبان است. امریکا از زمان سقوط رژیم طالبانی حاضر به مذاکره مستقیم با این گروه نبود و همیشه در خواست این گروه را برای گفت و گو های مستقیم رد میکرد. موقف همیشگی طالبان هم این بوده که با حکومت افغانستان مذاکره نمی کنند و آنرا دست نشانده امریکا میدانند نه یک حکومت مشروع. ولی از شش ماه به اینطرف تماسهای مستقیم با طالبان با گفت و گو و دیدار بانو الیس ویلز معاون وزارت خارجه امریکا در امور جنوب آسیا، آغاز شد و متعاقب آن از تقریباً سه ماه گذشته به این طرف زلمی خلیل زاد سیاستمدار افغان تبار و مشاور وزارت خارجه امریکا، که شناخت گسترده از تمام جناح های ذیدخل در معضله افغانستان دارد،

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

به حیث پیش برنده مساعی صلح افغانستان گماشته شد و تا کنون در سفرها گفت و گوهای وسیع با طالبان در دوحه و ابوظبی و با پاکستان و عربستان سعودی و همچنان با دولت و شخصیت های سیاسی مطرح و رهبران احزاب و جریان های سیاسی دیگر در افغانستان داشته است.

آقای خلیزاد در آخرین سفرش به افغانستان در کنفرانس خبری در سفارت ایالات متحده آمریکا در کابل گفت: «فکر میکنم فرصتی برای آشتی و صلح به وجود آمده. طالبان می گویند عقیده ندارند که در جنگ نظامی پیروز می شوند و می خواهند که مشکلات موجود را از طرق مسالمت آمیز با گفت و شنید های سیاسی حل کنند».

ولی از اظهارات طالبان در نشست ماسکو که ده روز قبل دایر گردید و دران برای اولین بار یک هیات شورای عالی صلح افغانستان نیز اشتراک داشت، چنین بر می آید که طالبان هنوز هم بر موقف قبلی شان که مذاکره نکردن با حکومت افغانستان است، پا فشاری دارند و شیر محمد عباس ستانکزی نماینده طالبان درین کنفرانس گفت: «بعد از آن که با آمریکا در رابطه با خروج سر بازنش از افغانستان به موافقه رسیدیم با افغانها مذاکره خواهیم آنهم با جریان های سیاسی و شخصیت های مطرح نه با حکومت»

با وصف آن حکومت افغانستان روز پنجشنبه ۲۲ نومبر ترکیب هیات افغانی را برای مذاکره با طالبان با این اعضا اعلام داشت: عبدالسلام رحیمی رییس دفتر رییس جمهور غنی، میرویس بلخی سرپرست وزارت معارف، حسین صافی سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ، عبدالنواب بالاگریزی معین وزارت تحصیلات عالی، عالمه معین وزارت امور مهاجرین، جنرال عبدالله عباد معاون امنیت ملی، شاه گل رضایی عضو مجلس نمایندگان، عطاءالله لودین عضو شورای علماء، شمیم خان کتوازی والی پکتیا، عبدالله عطایی عضو ستره محکمه و توریالی غیائی رییس روابط فرهنگی وزارت امور خارجه.

اما نهادها و شخصیت های سیاسی، تعیین این هیات را در صورتی که از طرف دولت رسماً تأیید شود، به ضرر مذاکرات صلح میدانند زیرا به گفته بی آنها طالبان حاضر به مذاکره با هیات حکومت نخواهند شد و مذاکرات بی نتیجه خواهد بود. محمد اسماعیل خان، عضو رهبری جمعیت اسلامی هشدار می دهد که با این هیات تلاش های تازه برای تأمین صلح در کشور ناکام خواهند شد. او می گوید: «امیدواریم که حکومت این روند را حکومتی نسازد، بگذارد که یک روند از شخصیت های مهم و تاثیرگذار افغانستان که طرف اعتماد اکثریت مردم افغانستان هستند و صلاحیت گفت و گو با طالبان را دار، ند با آنها گفت و گو کنند بهتر خواهد بود.»

نور رحمان اخلاقی، عضو رهبری جمعیت اسلامی نیز می گوید: «اگر حکومت حتا یک چنین فهرستی را معرفی کرده باشد معنایش این است این یک ضلع گفت و گوها می تواند باشد در غیر آن اگر تنها طرف حکومت و طالبان مطرح شود معنایش این است که آن صلح نمی تواند به نتیجه برسد»

ولی هم دونالد ترمپ و هم فرستاده او آقای خلیزاد خوشبین هستند که این مذاکرات به نتیجه خواهد رسید و حتی قبل از انتخابات ریاست جمهوری در بیست و یکم حمل سال آینده به توافق با طالبان خواهند رسید. آقای ترمپ در تماس تلفونی با عساکر امریکائی در افغانستان بروز پنجشنبه به مناسبت روز شکرگزاری گفت: «ما اکنون در حال گفت و گوهای بسیار قوی در افغانستان هستیم که شاید بسیاری مردم در باره آن چیزی ندانند. این بار اول خواهد بود، ببینیم که چه اتفاق می افتد. اگر موفق شود، موفقیت بزرگ خواهد بود و از آن خرسند خواهیم شد.»

موقف طالبان در زمینه مذاکره نکردن با حکومت افغانستان معضله قانونی دیگری را ایجاد میکند که موقعیت و موقف حکومت افغانستان است، حکومتی که از جانب تمام جوانب چه موافق و چه مخالف حکومت، در افغانستان و جامعه بین المللی به حیث حکومت مشروع افغانستان به رسمیت شناخته شده و احترام می شود. چنین موقعی از جانب طالبان باعث پخش شایعات و گزارش های مبنی بر التوای انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل «حکومت موقت» شده است. گرچه در چند روز گذشته گزارش های از بحث بر این موضوع بین آقای خلیزاد و طالبان و حتی حکومت کابل هم شنیده شده ولی بارها حکومت این گزارش ها را رد نموده و از آمادگی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهور سخن می زند. گفته می شد که طالبان این پیشنهاد را به زلمی خلیزاد داده اند ولی سخنگوی طالبان نیز دو روز قبل این گزارش را تکذیب نمود.

سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری روز جمعه در یک اجتماع در کابل گفت: «شعار کهنه و فرسوده اداره موقت، کاملاً بی مورد، غیر عملی و مغایر با قانون اساسی افغانستان و در حقیقت بازگشت به عقب و به معنای ایجاد یک بحران دیگر است. این یک خواستی است که بیش از هر چیزی دیگر به نفع دشمنان داخلی و خارجی افغانستان تمام می شود نه به مردم افغانستان.»

در همین اجتماع احمد ولی مسعود رئیس بنیاد مسعود یکی از شخصیت های مطرح سیاسی در افغانستان معتقد است که حکومت افغانستان فاقد صلاحیت تصمیم گیری است. او می گوید: «نه اختیار جنگ با ماست نه اختیار صلح با ماست. اختیار انتخابات هم با ما نیست و اختیار حکومت موقت هم با ما نیست. کسانی که می آیند می گویند که حکومت به این ها مصمم است، باور کنید که حکومت تصمیم گیرنده نیست. فقط بلندگوی کسان دیگری است که تصمیم می گیرند.»

یکی از اهداف عمده ای حکومت موقت که گفته می شود در ختم دوره فعلی ریاست جمهوری تشکیل گردد و تعدادی از سیاستگران و تحلیل گران اوضاع سیاسی افغانستان به شمول آقای کرزی رئیس جمهور پیشین و تعداد دیگری از این نظر پشتیبانی کرده اند، باید حفظ دست آورد های هفده سال گذشته مثل زیر ساخت ها، دوام باز سازی ها، آزادی های مدنی و حقوق زنان، آزادی بیان و مطبوعات، انکشاف اقتصادی مطابق به منافع ملی و سایر پیشرفت های باشد که مغایر فرهنگ و آزادی های مدنی در افغانستان نیست.

دلایلی هم برای تشکیل چنین حکومتی پیشکش می شود از جمله:

- ❖ بی کفایتی کمیسیون های انتخاباتی که انتخابات پارلمانی اخیر آنها ثابت ساخت و یکی از بد نام ترین انتخابات خوانده شده است،
- ❖ وخامت اوضاع امنیتی که باعث محرومیت ملیونها رای دهنده از حق رای می گردد،
- ❖ انتقال حالت موجود سیاسی و جنگ، و تلاش برای آوردن صلح، به حکومت آینده که باز هم گروه طالبان آنها غیر مشروع و تداوم نظام سیاسی فعلی خواهد خواند که به قول این گروه و موقف رسمی آن، حکومت دست نشانده امریکاست،
- ❖ بی اعتباری گروه های سیاسی به کمیسیون های انتخاباتی و فشار برای تغییر نظام انتخاباتی و اصلاح کمیسیون های انتخاباتی که با حرکت های سیاسی لاک پشتانه حکومت، مقدر به نظر نمی رسد،
- ❖ نا کار آبی نظام ریاستی موجود و تقاضا برای تعدیل قانون اساسی و رویکار کردن یک نظام سیاسی پارلمانی که در افغانستان در دهه دموکراسی زمان سلطنت نتیجه خوب داده و ملت از آن خاطره خوش دارد،
- ❖ سر خوردگی ملت از تمرکز بی حد و حصر قدرت در نظام ریاستی و عدم سهم دادن ملت در اداره و تصمیم گیری های کلان ملی و...

اینها می تواند برخی از دلایل تقاضا برای تشکیل یک حکومت موقت برای زمینه سازی بر آورده ساختن این تقاضا ها و تغییر و تعدیل قانون اساسی و سپس انتخابات ارائه گردد.

اما ترکیب حکومت موقت، اگر تصمیم به تشکیل آن اتخاذ میگردد، بهتر خواهد بود با در نظر داشت ترکیب و بافت اجتماعی افغانستان و موقف گیری های گروه ها و تبار های متعدد جامعه متکثر افغانستان که در نتیجه دوام جنگ ها و دامن زدن به انواع تعصبات بیشتر قطبی گردیده، به شکل یک شورا باشد. به این ترتیب که یک هیات و یا شورای رهبری موقت بدون اشتراک احزاب و تنظیم ها و مرکب از شخصیت های ملی بیطرف باشد که هم موازنه اجتماعی و سیاسی و منطوقی حفظ گردد، و هم رهبری این دولت موقت، به یک رهبری متمرکز و رای یگانه و حاکمانه مبدل نگردد. چنین یک شورا می تواند یکی از شخصیت های ملی و وارد و با کفایت و کار کن را از بین اعضا تشخیص و به حیث رئیس دولت موقت تعیین نماید. تصمیم ملی هم به رای اکثریت اعضای شورای رهبری اتخاذ گردد.

در حالی که تا کنون هیچگونه مذاکرات جدی بین جوانب در گیر این جنگ دایر نشده و هم آقای خلیل زاد و هم سایر جوانب در حال مشوره و نظر خواهی و جمع آوری نظریات هستند، پخش گزارش مربوط به تعیین هیاتی از طرف حکومت نشان می دهد که با وصف فشار های آقای خلیل زاد برای تعیین هیاتی که از تمام جوانب دیدخل و نهاد ها و اشخاص و تبار های افغانستان نمایندگی کرده بتواند، باز هم حکومت در صدد انحصار این مذاکرات است و نمی خواهد سایر مراجع را دران سهم بدهد این حرکت احتمالاً دشواری دیگری در روند مذاکرات صلح وارد خواهد کرد زیرا از یکطرف طالبان حاضر نخواهند بود با این هایت به مذاکره حاضر شوند و از جانب دیگر ترکیب این هیات مورد تأیید نهاد های سیاسی و جامعه مدنی نیست که می تواند دشواری دیگری در روند مذاکرات و یا نتایج احتمالی آن وارد نماید.

مذاکرات صلح به همان پیمانانه ای که ابعاد داخلی پیچیده دارد، ابعاد خارجی آن هم پیچیده و مغلق است. کشور های مختلفی، چه آنانیکه در هفده سال گذشته درین جنگ دخیل بوده اند، و چه آنانی که در همسایگی نزدیک و دور افغانستان قرار دارند مثل پاکستان، ایران، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، هند، روسیه و کشور های دیگر، هر یک از این کشور ها منافع و نگرانی های مشروع دارند که طبعاً برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان مستلزم رسیدگی است که شامل استفاده مشترک از آبهای افغانستان، تأمین امنیت در سرحدات افغانستان به منظور جلوگیری از سرایت شورشگری و گروه های تند رو و قاچاق مواد مخدر به این کشور ها، تشکیل حکومت متعهد به حفظ همسایگی نیک و روابط مسالمت آمیز با همه کشور ها و مانع تبدیل شدن افغانستان به صحنه جنگ های نیابتی بین همسایگان، سهمگیری متناسب و مطابق به منافع ملی افغانستان و هر یک از این کشورها در پروژه های اقتصادی و انکشافی و ... اما بعضی دیگر اهداف غیر مشروع را در افغانستان تعقیب میکنند که یکی از علل عمده و پایدار شدن جنگ و خونریزی در افغانستان بوده و آرزو دارند که حکومتی دلخواه ایشان و مطابق به منافع و سلیقه آنها باشد و اهداف ستراتیژیک آنها را تعقیب کند. در رأس این موقف دو همسایه افغانستان قرار دارند در جنوب، پاکستان با پیروی از سیاست عمق ستراتیژیک که جنرال ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان در سالهای ۱۹۸۰ پس از تهاجم قشون سرخ اتحاد شوروی سابقه بر افغانستان وضع نمود، و در غرب ایران که همیشه خواسته است از منابع آبی و زیر زمینی افغانستان رایگان استفاده نموده و افغانستان را به یکی از میداین جنگ ها و مخالفت خویش با غرب مبدل سازد. هم حکومت افغانستان و هم جامعه جهانی، در رأس ایالات متحده امریکا و ملل متحد باید منافع مشروع افغانستان را در نظر گرفته و چنین بلند پروازی ها و دست اندازی ها را به خاک و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان اجازه نداده و از این کشور ها برای حفظ و رعایت همسایگی نیک، عدم مداخله در امور داخلی افغانستان، احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و منافع ملی افغانستان تضمین گرفته شود.

پایان